

بررسی معضلات اخلاقی ناشی از نقض قوانین بشردوستانه در حمایت از کودکان و زنان در مخاصمات مسلحانه بین‌المللی از منظر حقوق بین‌الملل

احمد محتشم^۱

فخرالدین سلطانی^۲

علیرضا رضائی^۳

چکیده

بیش از نیمی از زنان و کودکان جهان در کشورهای زندگی می‌کنند که جنگ و درگیری را تجربه کرده‌اند. جامعه بین‌المللی نمی‌تواند مصائب آنها را نادیده بگیرد. به نظر می‌رسد در درگیری‌های معاصر چندان به حقوق بین‌الملل بشردوستانه توجه نشده است. استفاده مکرر از سلاح‌های شیمیایی و منفجره در مناطق شهری، خشونت جنسی، آوارگی، کشتار جمعی و... نشانه عدم پایبندی به اخلاق و حقوق بشر بنیادین می‌باشد. پژوهش حاضر به شیوه توصیفی-تحلیلی به بررسی معضلات اخلاقی ناشی از نقض قوانین بشردوستانه در حمایت از کودکان و زنان در مخاصمات مسلحانه بین‌المللی از منظر حقوق بین‌الملل پرداخته است. دشمن همواره سعی دارد که از طریق فشار بر افراد غیرنظامی، حریف خود را تسلیم خواسته‌های خود کند و در این رقابت ناعادلانه، زنان و کودکان اولین قربانیان بی‌دفاع و بی‌پناه هستند. نتایج پژوهش نشان می‌دهد که با توجه به اصول حقوق بشردوستانه بین‌المللی که به صورت واضح در اسناد بیان شده است، لازم و ضروری است که توسط طرفین درگیر، عواملی چون پایبندی به اصول اخلاقی، اصل کرامت انسانی، اصل محدودیت در استفاده از سلاح‌های غیرمجاز و ابزارهای جنگی غیرمعمول، اصل تفکیک میان نظامیان و غیرنظامیان، اصل منع درد و رنج بیش از اندازه، اصل تناسب، اصل حفظ محیط زیست، اصل ضرورت نظامی و اصل احتیاط، که از جمله اصول اساسی حقوق بشردوستانه هستند، باید در مخاصمات مسلحانه بین‌المللی و داخلی، مورد توجه و احترام قرار گیرند.

واژگان کلیدی

معضلات اخلاقی، نقض قوانین بشردوستانه، حقوق کودکان و زنان، مخاصمات مسلحانه بین‌المللی.

۱. دانشجوی دکتری، گروه حقوق بین‌الملل، واحد قشم، دانشگاه آزاد اسلامی، قشم، ایران.
Email: ahmadmohtasham@yahoo.com

۲. استادیار، گروه روابط بین‌الملل، واحد کرج، دانشگاه آزاد اسلامی، کرج، ایران. (نویسنده مسئول)
Email: fakhreddin.soltani@kiauu.ac.ir

۳. دانشیار، روابط بین‌الملل، واحد همدان، دانشگاه آزاد اسلامی، همدان، ایران.
Email: IR.Alirezazaei@gmail.com

پذیرش نهایی: ۱۴۰۳/۴/۹

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۱/۲۳

طرح مسأله

شکل‌گیری دولت خودخوانده اسلامی در عراق و شام، حاصل و نتیجه ماه‌ها و چه بسا سال‌ها مطالعه راهبردی در اتاق‌های فکر دستگاه‌های امنیتی مشترک غرب با ارتجاع عربی - عبری است. گروه تروریستی داعش متهم به نقض حقوق بشر و جنایات متعددی در عراق و سوریه است که از جمله آنها می‌توان به تجاوز به زنان و تصرف اموال و دارایی مردم به ویژه پیروان دیگر ادیان اشاره کرد. این گروه تروریستی به دلیل اختلافات طایفه‌ای و سیاسی، دست به اعدام‌های دسته جمعی می‌زند و با مخالفان خود به شدت برخورد می‌کند. تبعات مخاصمات داعش در عراق و سوریه آوارگی زنان و کودکان بی‌پناه است. پناهندگان همواره به عنوان یکی از اقشار و گروه‌های آسیب‌پذیر مدنظر قرار می‌گیرند. کنوانسیون حمایت از پناهندگان در سال ۱۹۵۱ و پروتکل الحاقی به آن در سال ۱۹۶۷ به تصویب رسید. دو سند مذکور، تنها اسناد جهانی قانونی الزام‌آور است که به‌طور صریح، پناهندگان را مورد حمایت قرار می‌دهد. در این کنوانسیون مجموعه‌ای از حقوق پناهندگان به رسمیت شناخته شده و البته تعهدات پناهندگان در قبال دولت میزبان نیز مدنظر قرار گرفته است. اهم حقوق به رسمیت شناخته شده در این کنوانسیون عبارت‌اند از: حق برخورداری از شرایط مطلوب زندگی؛ حق عدم مجازات در صورت ورود غیرقانونی به داخل خاک و سرزمین یک دولت؛ حق کار؛ حق آموزش؛ حق مسکن؛ حق آزادی بیان؛ حق آزادی مذهب؛ حق دادرسی عادلانه و دسترسی به محاکم عادلانه؛ حق رفت‌وآمد. مهم‌ترین نهاد بین‌المللی در زمینه حمایت از پناهندگان، کمیساریای عالی حمایت از پناهندگان است. کمیساریا در سال ۱۹۵۰ توسط مجمع عمومی ملل متحد تأسیس شد و هدف از تشکیل آن، کمک‌رسانی و مساعدت در سطح بین‌المللی به پناهندگان و افراد درگیر با معضل پناهندگی در سراسر جهان بود. یکی از موضوعات مهم در دستور کار این نهاد بین‌المللی تضمین این مهم است که کلیه افراد از حق درخواست پناهندگی در کشور دیگر برخوردار باشند و دولت‌ها نیز ملزم به پذیرش درخواست پناهندگی، پناه‌جویان شوند. به‌رغم همه تلاش‌ها و اقداماتی که در سطوح مختلف ملی، منطقه‌ای و جهانی انجام شده است، اما هنوز هم پناهندگان در وضع بسیار نامطلوب قرار دارند. به‌ویژه وقوع جنگ‌ها و مخاصمات در چند دهه اخیر به بحرانی‌تر شدن وضعیت افزوده است و در این میان، بنا به اذعان کمیساریای عالی ملل متحد در امور پناهندگان، زنان و کودکان در وضعیت بسیار نامطلوبی قرار داشته و نیاز به حمایت‌ها و مساعدت‌های ویژه‌ای دارند.

از اینرو پژوهش حاضر به دنبال بررسی معضلات اخلاقی ناشی از نقض قوانین بشردوستانه در حمایت از کودکان و زنان در مخاصمات مسلحانه بین‌المللی از منظر حقوق بین‌الملل می‌باشد.

گفتار اول: مصادیق و عناصر اخلاقی جنایات مسلحانه بین المللی علیه زنان

مبحث اول: توصیف اقدامات داعش علیه زنان سوری و عراقی

با نگاهی به تاریخ حقوق کیفری، درمی یابیم که در اکثر موارد، قربانیان جرم نقش مهمی در شروع و ادامه محاکمات کیفری داشته اند (آهنگر اصلیل، ۱۳۹۴). در موضوع زنان ایزدی، گزارشهایی که توسط سازمان های بین المللی یا پژوهشگران با توجه به اظهارات قربانیان جرم تهیه شده، مدنظر است. داعش هنگام حمله به شمال عراق در سال ۲۰۱۴، ۶۴۰۰ زن و کودک عراقی را به گروگان گرفت.^۱ دو سال بعد در سال ۲۰۱۶ کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل در گزارشی بیان داشت، هنوز بیش از ۳۲۰۰ زن و کودک در دست گروه داعش هستند و اکثرشان در سوریه به سر می برند. در آنجا از آنها به عنوان برده جنسی استفاده می شود. هنگامی که این گروه به شهر سنجار و سایر روستاهای ایزدی حمله کرد، در مرحله اول ایزدیان را دستگیر و زندانی کردند، متعاقباً داعش همه مردان را از زنان جدا کردند و آنها را به صورت دسته جمعی کشتند (بلوم و همکاران، ۲۰۱۶).^۲ یکی از شاهدین می گوید آن روز شبه نظامیان، جاده های اطراف سنجار را بسته بودند. همه را به داخل شهر بازگرداندند و آنجا زنان و دختران را از بقیه جدا کردند. «بیست تا بودند با ریش بلند و تفنگ. گفتند که ما را به موصل می برند. اعتراض کردیم. ما را زدند و به زور سوار ماشین کردند. در موصل ۲۰۰ زن و دختر را یکجا جمع کرده بودند. آنجا در واقع بازار فروش برده بود. اعضای داعش می آمدند و انتخاب می کردند. جرئت نمی کردیم به صورتشان نگاه کنیم. وحشت کرده بودیم ... برای اینکه ما را بترسانند، شلیک می کردند. می خواستیم خودمان را بکشیم اما راهی پیدا نمی کردیم. یافته ها آشکارا نشان می دهند که اولین بار در ماه اوت ۲۰۱۴، دختران و زنان ایزدی ربوده شدند. این فرایند با قتل بسیاری از زنان سالخورده و نوزادان همراه بود چنانکه در کردستان عراق یک گور دسته جمعی زنان ایزدی در شهر سنجار کشف شد که اجساد نزدیک به هشتاد زن در آن دفن شده بود.^۳ مصاحبه کنندگان بیان داشته اند که بیشتر دختران جوان و باکره به فرماندهان یا بمب گذاران انتحاری داده شده اند. یافته ها نشان می دهد که بعد از اینکه داعش بسیاری از زنان و نوزادان را کشته است، بقیه زنان و کودکان به مکان های مختلف و عمدتاً به شهر الرقه در سوریه و شهرهای مختلف استان نینوا عراق منتقل شده اند. اعضای داعش زنان را با کابل مورد ضرب و شتم قرار داده و آنها را در سفرهای طولانی مدت ۱۳ تا ۱۵ بدون غذای کافی و تنها با چند بطری آب جابه جا کرده

۱. تلگراف: زنان ایزدی مجبور به ترک فرزندان متولد شده از عناصر داعش هستند»، خبرگزاری دانشجویان ایران

«ایسنا»، آخرین بازدید ۲۰ آبان ۱۳۹۷، <https://www.isna.ir/news/97043116775>

2. Bloom

3. <http://www.bbc.com/persian/world>

اند(حسن، ۲۰۱۶). اگر زنان یا دختران اقدام به فرار می‌کردند و موفق نمی‌شدند، عواقب سختی در انتظار آنها بود. یکی از زنان که در شمال سوریه نگهداری می‌شد، گزارش داد پس از فرار ناموفقش مالک او فرزندش را کشت و تجاوز به آن زن برای بیش از شش ماه ادامه داشت.^۱ در طول مصاحبه همه شرکت‌کنندگان تأیید کردند که آنها به طور وحشیانه توسط اعضای داعش مورد تجاوز قرار گرفته‌اند. یافته‌ها همچنین نشان دادند که بازماندگان توسط بیش از یک نفر مورد تجاوز واقع شده‌اند^۲ و به‌طور مداوم تهدید و مورد ضرب و شتم قرار گرفته‌اند. پائولو پینرو، رئیس کمیسیون مستقل بین‌المللی تحقیق برای سوریه، در توصیف اقدامات داعش می‌گوید: «داعش علیه مردان، زنان و کودکان ایزدی مرتکب نسل‌زدایی، جنایت علیه بشریت و جنایت جنگی شده است. نسل‌زدایی آنها از روز حمله به سنجار تا به امروز ادامه دارد. داعش به‌شدت به‌دنبال نابودی ایزدی‌ها از طریق کشتار، بردگی جنسی، بردگی، شکنجه و رفتارهای تحقیرآمیز و غیرانسانی و کوچ اجباری آنهاست که باعث آسیب‌های شدید جسمی و روحی این گروه قومی - مذهبی شده است.

به گفته یکی از قربانیان که ۱۱ ماه نگه داشته شده بود و دو بار مورد معامله قرار گرفته بود: «مردان می‌آمدند و زنان و دختران را انتخاب می‌کردند. زنان به دروغ سنشان را زیادتر می‌گفتند و دختران سنشان را کمتر می‌گفتند (که فکر کنند اینان دختر بچه‌اند). ما سعی می‌کردیم جذابیتمان را کم کنیم صورتمان را می‌خراشیدیم و خودمان را کثیف می‌کردیم. این کارها جواب نداد.» دختری دیگر که در هنگام اسارت دوازده ساله بود و چهار بار در طول هفت ماه اسارتش مورد خرید و فروش قرار گرفته بود می‌گوید: «اطلاعات ما را ثبت کردند، داعش راجع به نام، سن و جایی که از آنجا آمدیم و اینکه آیا ازدواج کرده ایم یا نه از ما اطلاعات گرفت پس از آن جنگجویان داعش برای انتخاب دختران می‌آمدند. جوانترین دختری که دیدم برداشتند با خودشان بردند حدود نه سال داشت.»^۳

به گفته مصاحبه‌شوندگان، جنگجویان داعش پس از اینکه از تجاوز به یک زن خسته می‌شدند، زنان یکدیگر را عوض می‌کردند یا می‌فروختند. سطح شکنجه، تحقیر و تعداد تجاوز نیز پس از فروش زنان و دختران و یا تبادل آنها افزایش می‌یافته است. یکی از قربانیان می‌گوید:

1. "They Came to Destroy": ISIS Crimes against the Yazidis," op.cit. 14.

۲. در یکی از دستورالعمل‌های مذهبی داعش درخصوص زنان ایزدی سؤال و جوابی بدین شرح نوشته شده است، سؤال: آیا آمیزش با دختر اسیر نابالغ مجاز است؟ پاسخ: در صورتی مجاز است که از نظر بدنی شرایط آمیزش را داشته باشد. اگر هم این شرایط را نداشت، می‌توانید بدون آمیزش از او لذت ببرید.

3. "They Came to Destroy": ISIS Crimes against the Yazidis," op.cit.. 9-10.

«... ما برده بودیم. خود من را به پنج مرد مختلف فروخته بودند. من فقط به دنبال راه فرار بودم. سه مرتبه سعی کردم خودکشی کنم تا دست آنها از بدن من کوتاه شود ... دلیل مراجعه من به پزشک، خشمی است که مرا رها نمی‌کند. قادر به کنترل آن نیستم حتی در برابر دختر کوچکم.»^۱ همچنین، همه قربانیانی که بچه داشتند، گفتند که در صورت کوچک‌ترین مقاومت از سوی آنها کودکانشان توسط داعش شکنجه می‌شدند (دواکومار^۲، ۲۰۱۴).

مبحث دوم: کارکرد خشونت جنسی به عنوان ابزاری برای نسل‌زدایی توسط داعش

جرم خشونت جنسی می‌تواند با هدف نسل‌زدایی انجام گیرد و تحت این عنوان نیز تعقیب شود. اولین بار دادگاه بین‌المللی رواندا در رسیدگی به پرونده آکایسو، خشونت جنسی را به عنوان نسل‌زدایی مورد تعقیب قرار داد.^۳ در سال ۲۰۰۸ شورای امنیت قطعنامه ۱۸۲۰ را درخصوص زنان صادر کرد که در آن پذیرفته شده بود، خشونت جنسی می‌تواند عنصر مادی نسل‌زدایی را تشکیل دهد.^۴ این عمل باعث می‌شود که زنان نتوانند به انجام وظایف خود در خانواده بپردازند و چه بسا از خانواده خود طرد شوند و در نتیجه بنیان خانواده، به عنوان زیربنای جامعه، متزلزل گشته و یا باعث شود که افراد و خانواده‌ها از روی ترس محل سکونت خود را ترک کرده و در مناطق گوناگون پراکنده شوند که همه اینها با هدف از بین بردن یک گروه دارای نژاد، مذهب یا ملیت خاص انجام می‌گیرد (نوری و ز مانی، ۱۳۹۷). در این قسمت سعی بر آن است تا ضمن شناخت عناصر جنایت نسل‌زدایی وجود این عناصر در قضیه مورد بحث شناسایی، واکاوی و تحلیل حقوقی شود.

شناسایی و محکومیت نسل‌زدایی به عنوان جنایت مهم بین‌المللی تا جایی پیش رفته است که در حقوق بین‌الملل معاصر به عنوان یک قاعده آمره شناخته و از تعهدات تمام کشورها نسبت به جامعه بین‌المللی محسوب شده است همچنین سازمان ملل برای مبارزه با آن سیاست جنایی خاصی به کار گرفته است (ممتاز و رنجبریان، ۱۳۹۳). رویه بین‌المللی و به‌طور معین دادگاه بدوی رواندا نسل‌زدایی را وقیح‌ترین جنایت یا «جنایت جنایت‌ها» محسوب کرد. از این‌رو، همسو با برخی حقوقدانان می‌توان گفت که تردیدی نیست که در رده بندی جنایات بین‌المللی نسل‌زدایی در صدر قرار دارد (محمدرضایی و همکاران، ۱۳۹۹). قضات دادگاه تجدیدنظر یوگسلاوی سابق و

۱. زنان ایزدی: «قربانیان تجاوز داعش»، یورونیوز فارسی، مشاهده شده در ۱۰ دی ۱۳۹۹.

<https://fa.euronews.com/2016/11/01/un-centre-fights-for-women-traumatised-by-is-militants>

2. Devakumar

3. Prosecutor v. Akayesu (Judgment), September 2 1998, ICTR 96-4 T (trial chamber), paras 731-734

4. Women and Peace and Security, UN Security Council Resolution 1820, UN doc. S/RES/1820 (19 june 2008).

رواندا و به طور مشخص قضات تجدیدنظر پرونده کایشما و روزیندانا اکیداً این رده بندی را موردانتقاد قرار دادند و تأکید کردند که هیچ رده بندی از نظر اهمیت در میان جرایم بین‌المللی وجود ندارد.^۱ از نظر پیشینه تقنینی، این جنایت از اواخر نیمه اول قرن بیستم در زمره جنایات بین‌المللی قرار گرفته و در نخستین پیش‌نویس تهیه شده از سوی کمیسیون حقوق بین‌الملل در خصوص کد مربوط به جرایم علیه صلح و امنیت بشریت^۲ در کنار جرایم علیه بشریت ذکر شده بود (محمدرضایی و همکاران، ۱۳۹۹). همچنین در منشور دادگاه نظامی نورنبرگ برای محاکمه جنایتکاران جنگی، نسل‌زدایی یک جرم علیه بشریت محسوب شده بود (میرصادقی، ۱۳۸۶). ماده ۲ کنوانسیون پیشگیری و مجازات جرم نسل‌زدایی (۱۹۴۸)^۳ که عراق و سوریه هم به آن پیوسته‌اند اشعار می‌دارد: «در قرارداد فعلی مفهوم کلمه ژنوسید یکی از اعمال مشروحه ذیل است که به نیت نابودی تمام یا بخشی از گروه ملی، قومی، نژادی و یا مذهبی ارتکاب گردد، از این قرار: ۱. قتل اعضای آن گروه؛ ۲. صدمه شدید نسبت به سلامت جسمی و یا روحی افراد آن گروه؛ ۳. قرار دادن عمدی گروه در معرض وضعیت زندگانی نامناسبی که منتهی به زوال قوای جسمی کلی یا جزئی آنها بشود...»؛ این تعریف بدون هیچ تغییری در ماده ۶ اساسنامه دیوان آمده است. جرم نسل‌زدایی نیاز به قصد نابودی تمام یا بخشی از یک گروه حمایت شده را دارد. عنصر مادی نسل‌زدایی باید به دلیل عضویت شخص در یک گروه خاص بر روی آن شخص یا اعضای گروه انجام شود. تناقضی وجود ندارد که مجرمان که قصد خاصی برای از بین بردن گروه حفاظت شده دارند، ممکن است انگیزه‌های مختلف دیگری مانند گرفتن سرزمین، مزایای اقتصادی، لذت جنسی و گسترش تروریسم داشته باشند. دادگاه کیفری بین‌المللی برای یوگسلاوی سابق و دادگاه کیفری بین‌المللی برای رواندا در واسازی تعریف نسل‌زدایی نقش مهمی ایفاء کرده‌اند.^۴ از این رو، توجه به رویه این دو دادگاه در تفسیر عناصر تشکیل‌دهنده و وقوع جرم نسل‌زدایی از اهمیت زیادی برخوردار است. همچنین با توجه به اینکه اعضای داعش مستخدمین دولت محسوب نمی‌شوند، ذکر این نکته مهم است که در خصوص اینکه آیا اشخاص غیردولتی هم می‌توانند مرتکب نسل‌زدایی شوند، ماده ۴ کنوانسیون منع نسل‌زدایی بیان داشته است اشخاصی که مرتکب اعمال مشروحه در ماده سوم شوند (نسل‌زدایی) اعم از اینکه اعضای حکومت یا مستخدمین دولت و یا اشخاص عادی باشند، مجازات خواهند شد.

1. Chile Eboe-Osuji, "Rape as Genocide: Some Questions Arising," *Journal of Genocide Research* 9 (2) (200): 263-4.

2. Draft Code of Offences against Peace and Security of Man Kind

3. 58. Convention for the Prevention and Punishment of the Crime of Genocide.

4. Vivienne O'Connor

مبحث سوم: گروه‌های تحت حمایت کنوانسیون منع نسل‌زدایی

گروه‌های تحت حمایت کنوانسیون منع نسل‌زدایی و ماده ۶ اساسنامه رم محدود به چهار گروه ملی، قومی، نژادی و مذهبی است و شامل سایر گروه‌ها (مثلاً یک گروه سیاسی) نمی‌شود؛ بنابراین اولین شرط وقوع جنایت نسل‌زدایی وجود گروه قربانی در یکی از این چهار گروه احصاء شده است. از طرف دیگر تعریفی واحد از این چهار گروه احصایی در عرصه بین‌المللی وجود ندارد؛ بنابراین برای تعیین گروه‌های حمایت شده باید به صورت موردی و با توجه به زمینه تاریخی و اجتماعی هر مورد و همچنین برداشت ذهنی مرتکبین از عضویت قربانیان در گروه‌های مورد حمایت تصمیم‌گیری کرد (محمدرضایی و همکاران، ۱۳۹۹). با توجه به موارد مذکور این سؤال پیش می‌آید که آیا ایزدیان از گروه‌های تحت حمایت دیوان کیفری هستند؟

همانطور که اشاره شد برداشت ذهنی مرتکبین از عضویت قربانیان در گروه‌های مورد حمایت باید مورد توجه قرار گیرد. رویه قضایی دادگاه کیفری بین‌المللی برای یوگسلاوی سابق و دادگاه کیفری بین‌المللی برای رواندا نشان داد که اعتقاد کسانی که جرم را مرتکب می‌شوند، می‌تواند به عنوان ملاکی برای تعیین عنوان گروه مورد حمایت در نظر گرفته شود.

در همین راستا داعش به‌طور پیوسته از باورهای مذهبی ایزدیان به عنوان مبنایی برای حمله به آنان و جنایت متعاقب آن یاد کرده است. داعش یزدیان را با عنوان مشرک و «کافر کثیف» خطاب قرار می‌دهد و بارها اعلام کرده است که ایزدیان یا باید کشته شوند یا به دین اسلام درآیند و همین موضع نشان می‌دهد برداشت ذهنی داعش این است که ایزدیان به یک گروه مذهبی تعلق دارند.

ایزدیان اغلب به عنوان یک گروه قومی - مذهبی شناخته می‌شوند. گروه قومی به گروهی می‌گویند که اعضای آن دارای یک فرهنگ یا زبان مشترک هستند.^۱ معیار تشخیص و تعیین وابستگی افراد به گروه، یک معیار ذهنی است نه عینی؛ دادگاه بین‌المللی کیفری رواندا در این مورد اظهار داشته: «گروه قومی گروهی است که اعضای آن از زبان یا فرهنگ مشترک برخوردار باشند، یا گروهی است که خود را چنین می‌پندارد یا گروهی که دیگران از جمله مرتکبان جرم، آن را چنین می‌پندارند.» جامعه ایزدیان در سوریه، عراق، ارمنستان و ترکیه حضور دارند و زبان اصلی آنها کردی است. از جمله آداب و رسوم فرهنگی - اجتماعی می‌توان به سنت برادرگزینی و تاخی و آداب مشترک در غسل تعمید و ختنه کردن، ازدواج، مردن و احکام آن و همچنین داشتن اعیاد و مناسبت‌های دینی از جمله عید العجوه، عید خضرالیاس، عید بلنده، عید یزید (ایزد) و عید جماعت اشاره کرد.

1. Prosecutor v. Akayesu, ICTR Trial Judgment, 2 September 1998 ("Akayesu Trial Judgement"), para. 513.

گروه مذهبی به گروهی گفته می‌شود که اعضای آن دارای مذهب مشترک یا سیر و سلوک و روش عبادت مشترک هستند یا مطابق یک تعریف دیگر گروه مذهبی به جماعتی اطلاق می‌شود که از یک آرمان مشترک معنوی تبعیت می‌کنند؛ بنابراین پیروان ادیان معمولاً با گذاردن اعمال و مناسک خاص که نشان دهنده وحدت عقیده در میان آنهاست از پیروان سایر ادیان به سهولت بازشناخته می‌شوند. مقدسات ایزدیان به سه بخش ملک‌الطاووس، کتب مقدس و اماکن مقدس تقسیم می‌شود که در این موارد با یکدیگر اشتراک دارند. مکان مقدس ایزدیان، مقبره شیخ عدی است که در شمال عراق قرار دارد. اهمیت این مکان برای ایزدیان همانند اهمیت مکه برای مسلمانان و اورشلیم برای یهودیان است که در صورت فراهم بودن شرایط، ایزدیان باید دست کم سالی یکبار (در ماه اکتبر) در آنجا گردهم آیند (منتظری، ۱۳۸۸). همه این موارد موجب افتراق جامعه ایزدیان از دیگر ساکنان جامعه عراق می‌شود.

ارتکاب عنصر مادی نسل‌زدایی از مجرای خشونت جنسی

درک اهمیت پیوند خشونت جنسی و نسل‌زدایی در رویه قضایی بین‌المللی مستلزم بررسی این است که چگونه تجاوز به‌عنوان روشی برای نسل‌زدایی عمل می‌کند. برای این منظور لازم است که به تجاوز، به شیوه‌های که مرتکبین آن را نگاه می‌کنند، نگاه کنیم. به‌عنوان یک روش مؤثر برای منزوی کردن و تحقیر زنان و مردان یک فرهنگ، این انزوا به نسل‌زدایی مؤثر می‌انجامد ... ممکن است زنان به‌عنوان «لکه ننگ» برچسب بخورند که برای ازدواج سنتی و زندگی خانوادگی مناسب نیستند. تجاوز به عنف در سطح روابط بین یک مرد و زن که ابزاری برای تناسل هستند، تأثیر روانی خیلی بدی دارد. تأثیری که عوامل نسل‌زدایی در یوگسلاوی و رواندا آن را شناختند و مورد استفاده قرار دادند.

در خصوص عنصر مادی جنایت نسل‌زدایی باید اشاره کرد که جنایت نسل‌زدایی از اقدامات پنج‌گانه‌ای تشکیل می‌شود که در ماده ۶ اساسنامه به آن اشاره شده است. این اقدامات که عبارتند از کشتن، ایراد آسیب شدید جسمی یا روحی، قرار دادن در وضعیت زندگی نامناسب به‌صورت عمدی، جلوگیری از تناسل و انتقال اجباری یک گروه به گروه دیگر توسط رویه قضایی تبیین و تفسیر شده است. از بین این موارد به مهم‌ترین آنها که در خصوص زنان ایزدی در قالب خشونت جنسی روی داده است، اشاره می‌کنیم.

مبحث چهارم: ایجاد صدمه شدید نسبت به سلامت جسمی یا روحی اعضای یک گروه

رفتارهایی که موجب آسیب شدید جسمی و روحی می‌شود، ممکن است شامل شکنجه، تجاوز جنسی، خشونت جنسی یا رفتار غیرانسانی و یا تحقیرآمیز باشد اما لزوماً محدود به اینها

نیست.^{۷۸} دادگاه کیفری بین‌المللی برای رواندا و دادگاه کیفری بین‌المللی برای یوگسلاوی سابق بارها اعلام کرده است که چنین آسیب‌هایی می‌توانند به معنای شکنجه و رفتار غیرانسانی و تحقیرآمیز باشند. نکته قابل ذکر این است که به هیچ‌وجه لازم نیست آسیب جسمی یا ذهنی همیشگی یا غیرقابل جبران باشد. این آسیب جسمی یا روحی از طرق مختلفی می‌تواند و از جمله از طریق ارتکاب تجاوز جنسی و خشونت جنسی (مانند بردگی جنسی) به وجود بیاید که در ذیل به آن پرداخته می‌شود.

در ابتدا باید به این نکته اشاره کرد که تعریف بردگی، به‌عنوان یک جرم علیه بشریت، در ماده ۷ اساسنامه رم آمده است. مطابق آن به بردگی گرفتن یعنی اعمال اختیارات مربوط به حق مالکیت بر انسان و مشتمل است بر اعمال چنین اختیاری در جهت خرید و فروش انسان به‌ویژه زنان و کودکان. در سال ۲۰۱۴ در جریان رسیدگی به پرونده کاتانگا، دیوان تصریح کرد که بردگی باید به استفاده، لذت بردن و در معرض گذاشتن یک شخص به‌عنوان مال، به‌وسیله قرار دادن او در وضعیتی از عدم استقلال که متضمن محرومیت او از هرگونه خودمختاری است، تعبیر شود.

یافته‌های دادگاه در مورد آکایسو، مهم‌ترین تصمیم ارائه شده در تاریخ در خصوص رسیدگی به جنایت علیه زنان بوده است (هوبا^۱، ۲۰۲۰). در خصوص مورد آکایسو دادگاه کیفری بین‌المللی برای رواندا به این نتیجه رسید که تجاوز و خشونت جنسی در هر دو سطح فیزیکی و ذهنی به‌طور جدی آسیب می‌رساند؛ بنابراین، اگر با هدف خاص از بین بردن کامل و یا بخشی از یک گروه محافظت شده انجام شود، نسل‌زدایی به وقوع پیوسته است. بردگی جنسی زنان و دختران ایزدی توسط داعش که از مصادیق برجسته خشونت جنسی محسوب می‌شود، اولین بار در پرونده آکایسو و بعد از آن در تعداد زیادی از تصمیمات دادگاه کیفری بین‌المللی برای یوگسلاوی سابق و دادگاه کیفری بین‌المللی برای رواندا به‌عنوان خسارت جسمی و روحی شدید در معنای ماده دوم کنوانسیون نسل‌زدایی به رسمیت شناخته شد (رفیق سعید^۲، ۲۰۱۷).

جنگجویان داعش به‌طور سیستماتیک به زنان و دختران ایزدی (بالای نه سال) تجاوز می‌کنند. شواهد فراوانی از چنین تجاوزهایی وجود دارد. بررسی‌ها در خصوص زنان ایزدی که از دست داعش فرار کرده‌اند صدمات جسمی و روحی فراوانی را نشان می‌دهند. به‌عنوان نمونه یکی از قربانیان ایزدی می‌گوید: «اتفاقاتی که برای ما افتاده به تنهایی خودشان گویای همه چیز هستند. ما برده بودیم. خود من را به پنج مرد مختلف فروخته بودند. من فقط به‌دنبال راه فرار بودم. سه مرتبه سعی کردم خودکشی کنم تا دست آنها از بدن من کوتاه شود ... دلیل مراجعه من

1. Hubah
2. Rafeeq Saeed

به پزشک، خشمی است که مرا رها نمی‌کند. قادر به کنترل آن نیستم حتی در برابر دختر کوچکم.^۱»

مبحث پنجم: اقدامات اعمال شده به منظور جلوگیری از تولد درون گروه

اقدامات در نظر گرفته شده برای جلوگیری از تولد درون گروه، تجاوز؛ خشونت جنسی؛ قطع اندام تناسلی؛ عقیم‌سازی، کنترل اجباری تولد؛ جدا کردن زن و مرد از یکدیگر؛ ممنوعیت ازدواج؛ حامله کردن زن برای سلب هویت گروه و ضربه روحی که منجر به بی‌میلی نسبت به تناسل شود را در برمی‌گیرد.

اولین کارگروه داعش بعد از حمله آگوست ۲۰۱۴، جدا کردن مردان از زنان بود. علاوه بر این، صدها تن از مردان ایزدی را کشتند. زنان ایزدی را به طور جداگانه از همسران خود و دیگر مردان ایزدی نگه داشتند. طبق احکام مذهب ایزدی، پدر و مادر هر دو باید ایزدی باشند تا فرزند دارای مذهب ایزدی محسوب شود. مذهب ایزدی از راه خون منتقل می‌شود و امکان تغییر مذهب به ایزدی وجود ندارد. طبق بیانات داعش، داعش اجازه زندگی به یزدیان به عنوان ایزدی را نمی‌دهد. داعش از مجرای جدا کردن زنان از مردان و اجبار به تغییر مذهب، از تناسل در گروه ایزدیان جلوگیری کرده است.

تجاوز جنسی می‌تواند ابزاری برای جلوگیری از تناسل باشد.^۲ زمانی که زن مورد تجاوز قرار می‌گیرد در برخی موارد یکی از عوارض آن فویبا نسبت به برقراری رابطه جنسی است. در این موارد قربانیان به دلیل اثرات روحی و ترس فراوان حتی نسبت به برقراری رابطه جنسی با همسر خود ناتوانند. این نکته علاوه بر اینکه در جامعه روانپزشکی پذیرفته شده است، در پرونده آکایسو نیز ذکر شده است. یک روانشناس که در درمان صدها زن و دختر ایزدی که توسط داعش مورد تجاوز قرار گرفته بودند، فعال بود، اظهار داشت که زنان ایزدی که تحت درمان قرار می‌گیرند، به اطرافیان، به ویژه مردان، اعتماد ندارند. در هر ارتباطی با مردان، اضطراب واقعی وجود دارد. مصاحبه شونده اظهار داشت که زنان و دختران ایزدی که تحت درمان بودند، نمی‌خواستند ازدواج کنند و یا در حال حاضر یا در آینده به روابط خود با مردان فکر کنند. به این ترتیب، تجاوزهایی که توسط جنگجویان داعش در مورد زنان و دختران ایزدی انجام می‌شود، یک اقدام برای جلوگیری از تولد درون گروه است. در آخر، ذکر این نکته لازم است که دادگاه کیفری بین‌المللی برای رواندا در پرونده آکایسو مقرر داشت، تجاوز به عنف می‌تواند در بند چهارم تعریف

1. <https://fa.euronews.com/2016/11/01/un-centre-fights-for-women-traumatized-by-is-militants>

2. Allison Ruby Reid-Cunningham, "Rape as a Weapon of Genocide," *Genocide Studies and Prevention* 3(3) (2008): 281.

نسل‌زدایی (جلوگیری از تناسل) مفروض گرفته شود (درامبل و همکاران،^۱ ۲۰۱۹).

مبحث ششم: احراز عنصر روانی نسل‌زدایی در خصوص اقدامات داعش

آنچه سبب می‌شود که جنایت نسل‌زدایی دارای ماهیت ویژه‌ای باشد و از نظر درجه اهمیت، در صدر جنایات بین‌المللی قرار گیرد، عنصر معنوی خاص این جرم است. برای تحقق این جرم لازم است که قصد خاص نابودی جزئی یا کلی یکی از گروه‌های تحت حمایت وجود داشته باشد، واقعیتی که دادگاه کیفری یوگسلاوی سابق نیز آن را مورد تأکید قرار داد. دیوان در خصوص جنایت نسل‌زدایی در هر پرونده به صورت موردی به احراز قصد خاص نابودی می‌پردازد. در مقدمه سند عناصر جرایم در خصوص قصد خاص نسل‌زدایی این‌چنین بیان شده است که علی‌رغم شرط معمولی وجود قصد ذهنی مندرج در ماده ۳۰ اساسنامه و با پذیرش اینکه در اثبات وجود قصد ارتکاب نسل‌زدایی به آگاهی فرد از اوضاع و احوال و شرایط توجه می‌شود، باین حال برای احراز شایسته و درست قصد ذهنی برای ارتکاب آن، دیوان باید به صورت موردی قصد خاص را احراز کند (محمدرضایی و همکاران، ۱۳۹۹). اما مبتنی بر چه شواهدی می‌توان قصد خاص نسل‌زدایی را احراز کرد؟

در شعبه بدوی و تجدیدنظر دیوان کیفری بین‌المللی یوگسلاوی سابق از شواهد و امارات ذیل جهت احراز قصد نابودی گروه قربانی از سوی متهم نامبرده شده است که عبارتند از زمینه کلی وقوع جرایم؛ ارتکاب اعمال مجرمانه دیگری که به صورت سیستماتیک علیه همان گروه اعمال می‌شوند؛ میزان جرایم رویداده؛ هدف قرار دادن سیستماتیک قربانیان به دلیل عضویت آنها در گروه خاص و تکرار اعمال نابودکننده و تبعیض آمیز. با توجه به این موارد می‌توان نسبت به وجود عنصر روانی نسل‌زدایی اظهار نظر کرد.

بنابراین در خصوص اتهام جرم نسل‌زدایی، باید نشان داده شود که داعش یک یا چند اقدام ممنوعه ذکر شده در ماده ۶ اساسنامه رم را با قصد اینکه اقدامات منجر به نابودی همه یا بخشی از ایزدیه‌ها شود، انجام داده است. فهم این موضوع خیلی مهم است که چرا و به چه علت ایزدیان هدف قرار گرفته‌اند؟ هیچ گروه مذهبی دیگری در مناطق تحت کنترل داعش در معرض رنجی که بر ایزدیان تحمیل می‌شود، قرار نگرفتند. روستاییان عرب که قبل از حمله داعش فرار نکردند، اجازه داشتند که در خانه‌های خود باقی بمانند و دستگیر و کشته نشوند و به بردگی کشیده نشوند. شاهدان گفته‌اند که فقط زنان و دختران ایزدی به بردگی گرفته شده بودند. در حالی که جامعه مسیحی هنوز در مناطق تحت کنترل داعش زندگی می‌کند. علت این است که مسیحیان می‌توانند با پرداخت جزیه در صلح و آرامش زندگی کنند؛ اما ایزدیان از اهل کتاب نیستند که از

چنین فرصتی برخوردار باشند.

از سوی دیگر به لحاظ تاریخی، هدف خاص از بین بردن، اغلب از رفتار، از جمله اظهارات طرفین استنباط شده است. داعش به صراحت سوءاستفاده از ایزدیان را به خاطر تفسیر دینی‌شان انجام می‌دهد و اظهارات عمومی آنها منابع ارزشمندی است که انعکاس‌دهنده مستقیم قصد آنهاست. چنانکه دادگاه بین‌المللی رواندا بیان داشت که هدف قتل عام می‌تواند از «اعمال و سخنان مرتکب‌شده در کنار هم و همچنین از زمینه کلی اجرای سایر اقدامات مجرمانه که به طور منظم علیه یک گروه مشابه به کار گرفته می‌شود، برداشت شود.» رفتار مربوطه شامل هدف قرار دادن فیزیکی گروه یا اموال آنها، استفاده از کلام موهن نسبت به اعضای گروه هدف و شیوه برنامه‌ریزی روشمند است. داعش در مقاله‌ای تحت عنوان «احیای برده داری کمتر از یک ساعت»^{۱۰۶} که در مجله انگلیسی‌زبان دابق منتشر شده است، نشان داد که قبل از حمله به سنجار در حال تعیین چگونگی برخورد با ایزدیان بوده است.

در همان مقاله، داعش اعلام کرد، پس از فتح منطقه سنجار ... دولت اسلامی با جمعیتی از ایزدیان روبه‌رو شد، اقلیتی از مشرکین که در طول سال‌ها در مناطق عراق و شام [سوریه] زندگی می‌کردند، وجود مستمر آنها تا به این روز، موضوعی است که مسلمانان باید جواب پس بدهند چراکه در روز قیامت درباره آن مورد بازخواست قرار می‌گیرند.

در زمان حمله و بعد از آن داعش، زیارتگاه‌ها و معابد ایزدی در سنجار را نابود کرد، همچنین بعضی از خانه‌ها را غارت کردند. دادگاه کیفری بین‌المللی برای یوگسلاوی سابق در پرونده کرسیتیج بیان داشت تخریب اموال فرهنگی در جمع با شرایط دیگر ممکن است به صورت شواهد و مدارکی برای تأیید قصد نابودی گروه در نظر گرفته شود.^۱ این اظهار نظر قضایی توسط دادگاه بین‌المللی در پرونده ۲۰۰۷ در بوسنی و هرزگوین علیه صربستان و مونته‌نگرو تأیید شد.^۲ بنابراین علاوه بر اظهارات مستقیم فرماندهان داعش مبنی بر قصد نابودی ایزدیان، تخریب اموال فرهنگی و مذهبی نیز یکی دیگر از مواردی است که می‌تواند برای احراز قصد خاص نسل‌زدایی مورد استفاده قرار بگیرد.

مبحث هفتم: مصادیق جنایات علیه زنان و دختران سوری و عراقی

جنایات داعش علیه زنان و دختران به گونه‌های متفاوت اتفاق می‌افتد. درباره خشونت علیه زنان توسط داعش، عفو بین‌الملل با انتشار گزارشی اعلام کرد که زنان و دختران جوان ایزدی

1. Prosecutor v. Krstić, ICTY Appeals Judgment, 19 April 2014, paras. 25-26.

2. 108. Bosnia and Herzegovina v. Serbia and Montenegro, Application of the Convention on the Prevention and Punishment of the Crime of Genocide, ICJ Judgment, 26 February 2006, (“Bosnia v. Serbia Judgment”), para. 344.

در معرض تجاوزات مکرر جنسی از سوی اعضای داعش بوده‌اند و شهادت‌های متعددی وجود دارد که نشان می‌دهد دختران ایزدی برای فرار از تجاوزات جنسی دست به خودکشی زده‌اند. تعداد زیادی از دخترانی که قربانی بردگی جنسی به دست اعضای داعش شده‌اند، بین ۱۴ تا ۱۵ سال سن یا حتی کمتر دارند. همچنین بیماری‌های جسمی و روانی که ناشی از خشونت‌های جنسی هولناک در حق این زنان است بسیار فاجعه بار است. این در حالی است که برخی از این زنان شکنجه شده و مثل برده به کار گرفته شده‌اند و حتی دختران و زنانی که توانسته‌اند فرار کنند، همچنان از مشکلات عمیق روانی رنج می‌برند. دیده بان حقوق بشر اعلام کرده حداقل ۷۵۰-۷۷۰ در تکریت یک دوره سه روزه قتل عام شدند که داعش این تعداد را ۱۷۰۰ می‌داند. تجاوز جنسی به زنان هم به عنوان یک سلاح جنگی و هم به عنوان وسیله ای برای تحقیر و مطیع ساختن مردم توسط داعش صورت می‌گیرد، همچنین از زنان و دختران به عنوان پاداش برای ارائه خدمات استفاده می‌کنند.

بر اساس گزارش وزارت حقوق بشر عراق هم، ابو انس الیسی یکی از سرکردگان داعش یکصد و پنجاه نفر از زنان و دختران را در شهر فلوجه به سبب سرپیچی از پذیرفتن جهاد نکاح اعدام کرده است. در این گزارش همچنین به قتل عام گسترده در فلوجه و دفن قربانیان به شکل دسته جمعی در مناطق الزغارید و الجولان و ناحیه صقلاوه اشاره شده است. این موارد تنها نمونه‌های کوچکی از نقض حقوق زنان و کودکان توسط داعش می‌باشد.

این موارد نقض حقوق بشری بیانگر میزان خارج از ظرفیت وحشی گری داعش می‌باشد و نشان دهنده بدترین جنایاتی است که در حق شهروندان عراقی و سوری صورت گرفته است که این امر موجب پایمال شدن حقوق آنها شده است. در شرایط فعلی و با توجه به روند رو به گسترش فرایند جهانی شدن و توسعه بیش از پیش رسانه‌ها و ارتباطات همچون اینترنت و فضای مجازی و تأثیرگذاری گروه‌هایی همچون داعش از طریق این‌گونه ارتباطات بر افکار عمومی و جذب نیرو، مداخله مستقیم سازمان ملل و شورای امنیت، امری ضروری و غیرقابل اجتناب است؛ ولی با این وجود نه سازمان ملل و نه هیچ یک از کشورهای مدعی حقوق بشر نه تنها هیچ واکنشی از خود نشان نداده، بلکه با ارسال اسلحه و تجهیز کردن تروریست‌ها روزانه صدها نفر را به قتل می‌رسانند^۱.

1. <https://www.tasnimnews.com/fa/news/1395/08/08/1225448/%D8%B2%D9%86%D8%A7%D9%86-%D9%88-%DA%A9%D9%88%D8%AF%DA%A9%D8%A7%D9%86-%D9%82%D8%B1%D8%A8%D8%A7%D9%86%DB%8C%D8%A7%D9%86-%D8%AF%D8%A7%D8%B9%D8%B4-%D9%88-%D8%B3%DA%A9%D9%88%D8%AA-%D9%85%D8%AC%D8%A7%D9%85%D8%B9-%D8%A8%DB%8C%D9%86-%D8%A7%D9%84%D9%85%D9%84%D9%84%DB%8C>

مبحث هشتم: حاملگی اجباری

بند ۲ (ه) ماده ۷، اساسنامه دادگاه بین‌المللی کیفری دائمی، حاملگی اجباری را چنین تعریف کرده است: «یعنی حبس کردن غیرقانونی زنی که به زور حامله شده است به قصد تأثیرگذاری بر ترکیب قومی یک جمعیت یا دیگر نقض‌های فاحش حقوق بین‌الملل.» ارتکاب این جرم در سیاق مخاصمات مسلحانه، به موجب اساسنامه این دادگاه بین‌المللی، جرمی جنگی محسوب شده و هیچ رابطه یا تأثیری بر قوانین داخلی کشورها ندارد. (گلچین و همکاران، ۱۴۰۲).

عنصر قانونی حاملگی اجباری در اسناد بین‌المللی

حاملگی اجباری صرفاً در اساسنامه دادگاه بین‌المللی کیفری، به موجب مواد ۷ و ۸ آن، جنایت علیه بشریت یا جنایت جنگی شمرده شده است.

عناصر خاص مادی و روانی حاملگی اجباری

۱. مرتکب، یک یا چند زن را که با زور حامله شده‌اند، به قصد تأثیر نهادن بر ترکیب قومیتی جمعیت یا انجام سایر موارد نقض فاحش حقوق بین‌الملل در حصر نگاه داشته است؛
۲. مرتکب یا شخص دیگر در ازاء و یا در رابطه با اعمال دارای ماهیت جنسی، مزایای مالی کسب کرده‌اند و یا انتظار می‌رود که کسب کند؛
۳. رفتار در سیاق و همراه با یک مخاصمه بین‌المللی صورت پذیرفته است. «کسسه»، ترجمه شریفی سوادکوهی، ۱۳۸۵).

مبحث نهم: عقیم‌سازی اجباری

با توجه به عنصر مادی عقیم‌سازی اجباری، تعریف جرم مزبور چنین خواهد بود: «مرتکب، عمداً شخص یا اشخاصی را از طریق مواد تخریبی یا صدمه زدن فیزیکی از توانایی تولید مثل محروم سازد».

عنصر قانونی عقیم‌سازی اجباری در اسناد بین‌المللی

جرم انگاری رفتار فوق در خلال مخاصمات مسلحانه، نیز یکی از نوآوری‌های اساسنامه دادگاه بین‌المللی کیفری می‌باشد. (اردبیلی، ۱۳۸۶).

عناصر خاصی مادی و روانی عقیم‌سازی اجباری

۱. مرتکب، یک یا چند شخص را از توانایی تولید مثل بیولوژیک محروم کرده است؛
۲. رفتار نه از لحاظ رفتار پزشکی یا بیمارستانی شخص یا اشخاص مربوط توجیه‌پذیر بوده و نه با رضایت واقعی آنان انجام شده است؛
۳. رفتار در سیاق و همراه با یک مخاصمه مسلحانه بین‌المللی صورت پذیرفته است؛

۴. مرتکب از اوضاع و احوال واقعی که وجود مخاصمه مسلحانه را موجب شده، آگاهی داشته است (کسسه"، ترجمه شریفی سوادکوهی، ۱۳۸۵).

گفتار دوم: مصادیق کودک آزاری

مبحث اول: آسیب‌های کودکان در برابر عملیات انتحاری

یکی از پیامدهای سوء وقایع تروریستی، آسیب‌های آن بر روح و روان انسان‌ها و به‌ویژه قربانیان مستقیم است. این آثار می‌تواند حتی تا سال‌ها همراه قربانی بوده و روند عادی زندگی قربانی را مختل کند. در این میان، کودکان قربانی وقایع تروریستی، از آسیب‌های بیشتری رنج می‌برند، بدون آنکه خود بتوانند با این آسیب‌ها مقابله مؤثر کنند. در نتیجه، نیازمند حمایت‌های ویژه و فوری می‌باشند. کودکان به دو صورت به عنوان قربانی آثار مخرب روانی تروریسم تلقی می‌شوند (گلچین و همکاران، ۱۴۰۲):

الف) قربانی مستقیم، شامل کودکانی که یا کشته شده و یا متحمل صدمات تروریستی منتج از حوادث تروریستی شده‌اند؛

ب) قربانی غیرمستقیم، شامل کودکانی که یکی از اعضای خانواده آن‌ها کشته شده و یا متحمل صدمات منتج از حوادث تروریستی شده‌اند، کودکانی که به عضویت اجباری و تطمیع شده سازمان‌های تروریستی درآمده‌اند و یا کودکانی که به نحوی به بیماری‌های روحی و روانی ناشی از حوادث تروریستی مبتلا شده‌اند، می‌شود.

شاید مهم‌ترین نوع از آسیب‌های روانی وارده به کودکان قربانی و شاهد اعمال تروریستی، همچون دیگر مواردی نظیر خشونت، رفتارهای خشونت‌آمیز و جنگ، ابتلا به اضطراب باشد. کودکانی که یکی از اعضای خانواده خود را از دست داده‌اند بیشتر و عمیق‌تر در معرض پیشرفت عوارض مخربی همچون اضطراب و استرس بعد از حوادث تروریستی هستند. مطالعات نشان می‌دهند که کودکانی که در معرض آسیب‌های روانی قرار گرفته‌اند مبتلا به اختلالات استرس پس از ضایعه روانی شده‌اند، همچنین کودکانی که سابقه مشاهده و رویارویی با حوادث تروریستی و منازعات مسلحانه را دارند دچار آثار روحی و روانی این حوادث می‌شوند به نحوی که مشکلاتی مانند توهم، جیغ زدن و هذیان‌گویی در خواب، گریه‌های بی‌مورد، شب‌اداری و کم‌طاقتی در آن‌ها بروز کرده است.

ناراحتی‌های روحی و روانی هرساله دومین عامل مهم مرگ و میر کودکان تا سن چهارده سال است و این رقم پنجاه درصد مرگ و میر در این‌گونه کودکان نیز محسوب می‌شود. پاسخ کودکان به وجود وحشت و ترس ایجاد شده از حوادث تروریستی بستگی به میزان و شدت حادثه، شخصیت درونی کودک و میزان حمایت ایجاد شده از کودکان دارد (پیوندی، ۱۳۹۰).

مبحث دوم: کودکان آواره و بی‌سرپرست در اثر حملات انتحاری، تروریستی

از جمله رایج‌ترین وقایع در اثر حملات تروریستی، به‌ویژه در سال‌های گذشته و با توسعه شکل جدید تروریسم که همراه با پیدایش گروه‌های تروریستی مانند داعش، بوکوحرام، جبه‌النصره و احرارالشام در خاورمیانه و آفریقا بوده است، آوارگی و جابه‌جایی مردم در تعداد بسیار است. کودکان به دلیل آسیب‌پذیری خود بخش عمده‌ای از آوارگان را تشکیل می‌دهند. کودکان آواره در دو گروه آوارگان داخلی و بین‌المللی تقسیم می‌شوند که گروه دوم تحت حمایت کمیساریای عالی پناهندگان قرار دارد. کودکان آواره در مقایسه با بزرگسالان آواره به دلیل آسیب‌پذیری خود با خطرات جسمی و روحی بیشتری مواجه می‌شوند که حمایت ویژه‌ای را طلب می‌کند. شکل کمبود مواد غذایی، مسکن، بیماری‌های مسری و غیرمسری، جدایی از خانواده، سربازی اجباری و حتی سوءاستفاده‌های جنسی و قطع تحصیلات از جمله عواملی هستند که رشد جسمی و روحی آنان را با مشکلاتی روبه‌رو می‌سازد. حتی در اردوگاه‌ها نیز به دلیل شرایط نامناسب بهداشتی، تعارضات فرهنگی بین ساکنان اردوگاه، کمبود مواد غذایی و غیره شرایط آوارگان و به‌ویژه کودکان با شرایط طبیعی بسیار فاصله دارد. به‌طور کلی جابه‌جایی و آوارگی کودکان علاوه بر نتایج جسمی و روحی، عواقب آموزشی و تربیتی دارد که در این زمینه می‌توان به تأخیر تحصیلی و از دست دادن انگیزه تحصیلی اشاره کرد که حتی بازپروری آنان را در مدارس کشور محل اسکان بسیار دشوار و در بعضی موارد غیرممکن می‌سازد (مروت، ۱۳۸۵).

کودکان بی‌سرپرست گروه دیگری از کودکان قربانی حملات انتحاری هستند. به‌طور کلی هر کودکی در زمان رشد خود نیاز به والدینی دارد که او را مورد حمایت قرار داده و زمینه رشد جسمی و روحی او را فراهم آورند. این نیاز به‌ویژه در بُعد روحی آن تا سن معینی وجود دارد و در مواقع بحرانی از جمله جنگ و درگیری‌های مسلحانه بسیار شدیدتر می‌شود. به همین دلیل در مقدمه کنوانسیون حقوق کودک، خانواده به عنوان واحد اساسی هر جامعه شناخته شده که در رشد جسمی و روانی کودک نقش عمده‌ای دارد. در زمان حملات انتحاری یا در جین جابه‌جایی و آوارگی ناشی از آن، ممکن است کودک پدر یا مادر یا هر دو را از دست بدهد که چنین امری تأثیرات منفی متعددی بر زندگی کودک خواهد داشت. اولین تأثیر ناراحتی روانی ناشی از فقدان پدر یا مادر و از دست دادن روحیه است. برای کودکان بی‌سرپرست آینده مبهم به نظر می‌رسد (مروت، ۱۳۸۵).

مبحث سوم: آثار زیان‌بار مشاهدات حوادث خشونت‌بار بر سلامت روانی کودکان

هم‌زمان با تشدید پوشش رسانه‌های تلویزیونی پیرامون بحران‌های جهانی، نگرانی‌ها در مورد کودکانی که شاهد تصاویر هولناک تروریسم در اخبار و برنامه‌های تلویزیونی و حتی فضای

مجازی هستند نیز افزایش یافته است. برای بسیاری از کودکان ترس از تروریسم و جنگ در زندگی روزمره یادآور تصاویر مشاهده شده از تلویزیون است. مشاهده این‌گونه تصاویر خشونت‌بار برای کودکان یک وضعیت فوق‌العاده خواهد بود به نحوی که آنان به سرعت احساس افسردگی و نگرانی خواهند کرد (علی اکبری و همکاران، ۱۳۹۷). همچنین در مواردی که برخی تصاویر و برنامه‌های تلویزیونی به صورت تکرار، در ساعات و موقعیت‌های متفاوت و حتی با گویندگان و آهنگ‌های متفاوت تکرار می‌شود می‌تواند آثار مخرب‌تری نیز داشته باشد، چراکه کودکان در این مورد از قدرت تشخیص کمتری برخوردارند و لذا احساس خواهند کرد که وضعیت پیرامون خود رفته‌رفته در حال وخیم شدن است. مشاهده بدون برنامه‌ریزی شده این‌گونه تصاویر از جانب کودکان می‌تواند زمینه ابتلا به استرس را فراهم کند. کودکانی که حوادث بمب‌گذاری فراوانی را از تلویزیون و فضای مجازی مشاهده کرده‌اند بیشتر در معرض ابتلا به ناراحتی‌های روحی و روانی قرار دارند، حتی اگر این تصاویر را در لحظات ابتدایی ندیده و نشینده باشند و حتی کسی را که به نحوی مجروح شده یا کشته شده است را نمی‌شناسند. نوجوانانی که به نحوی این‌گونه بمب‌گذاری‌های وحشتناک را که منجر به قطع عضو و تلاشی شدن ابدان انسان‌ها می‌شود از طریق تلویزیون و فضای مجازی تجربه کرده‌اند، گزارش‌هایی مبنی بر ابتلا به ناراحتی‌های روحی و روانی و کابوس‌های شبانه و در نهایت افسردگی‌هایی حتی به مدت دو سال بوده است (تقی زاده و هداوندی، ۱۳۹۱).

مبحث چهارم: گرایش به خودکشی در کودکان قربانی تروریسم

کودکان در معرض حوادث تروریستی و خشونت‌بار هرچه بیشتر آشکال و ظواهر حوادث ناگوار را در ذهن خود مرور می‌کنند و این امر موجب اختلال در توانایی آن‌ها در حضور در مدرسه و شرکت در فعالیت‌های پرورشی آن‌ها می‌شود. این‌گونه کودکان خشم فراوانی را بروز می‌دهند و هنگامی که خشم با افکار خودکشی در هم می‌آمیزد، اعمالشان غیرقابل پیش‌بینی می‌شود (حائری، ۱۳۹۷).

عملیات انتحاری توسط کودکان

در تعریفی که ائتلاف بین‌المللی به منظور جلوگیری از استفاده از کودکان به عنوان سرباز ارائه داده (کودک سرباز) هر شخص زیر هجده سال که عضو هر نیروی مسلح رسمی یا غیررسمی دیگر در صورت وجود یا نبود مخاصمه مسلحانه می‌باشد. در پیش‌نویس اصول کیپ تاون^۱ سال ۱۹۷۷ کودک سرباز هر شخص زیر هجده سال را شامل می‌شود که به نوعی در نیروهای مسلح یا گروه‌های مسلح رسمی یا غیررسمی با هر سمتی حضور دارد. بر مبنای این

1. Cape Town Convention

تعریف کودک سرباز شامل کودکانی نیست که سلاح به دست گرفته‌اند بلکه کلیه کسانی که گروه‌های مسلح را همراهی می‌کنند را شامل می‌شود از جمله آشپز و پیام‌رسان. در اصول پاریس مصوب سال ۲۰۰۷ نیز آمده است: هر شخص زیر هجده سال که توسط نیروها و گروه‌های مسلح در هر ظرفیتی، پسر و دختر، به عنوان رزمنده، آشپز، پیغام‌بر، جاسوس و یا اهداف جنسی به کارگیری و یا استفاده می‌شود، کودک سرباز اطلاق می‌گردد. لذا کودک سرباز هر کودک پسر یا دختر زیر هجده سالی است که به اجبار یا به زور و یا داوطلبانه سربازگیری می‌شود و یا در جنگ توسط نیروهای مسلح، شبه‌نظامی، واحدهای دفاع شهری یا دیگر گروه‌های مسلح مورد استفاده قرار می‌گیرد (هوبا، ۲۰۲۰).

کودکانی که از صلح و زندگی صلح‌آمیز به دور مانده‌اند، ناگزیر می‌شوند به سمت پذیرش نظم مسلط رایج که عبارت از جریان خشونت‌پروری است کشیده شده و خود عنصری از مجموعه عناصر خشونت‌زا قرار گیرند. سیستم مردسالانه حاکم بر فضای خانواده‌هایی که این نوع کودکان در آن پرورش می‌یابند، یکی از اساسی‌ترین عوامل کشیده شدن آن‌ها به خشونت است. کودکان انتحاری نه تنها به لحاظ انجماد باورهای تحریف شده مذهبی در پشت دیوارهای استیلای مردان بر خانواده بلکه از دیدگاه ناامیدی از شکل‌گیری نسلی که به صلح بیانديشد و با جنگ مقابله کند، حاوی پیام‌های تکان‌دهنده‌ای است (جوادپور، ۱۳۹۵).

انتحار در لغت به معنای خودکشی است و در اصطلاح برخلاف معنای لغوی آن که محدود به خودکشی می‌باشد، ابعادی گسترده‌تر پیدا کرده و با نام حمله انتحاری یا عملیات انتحاری مطرح می‌گردد. مراد از حمله یا عملیات انتحاری آن است که شخص برای دستیابی به یک هدف خاص در مرحله اول خود و در طبقات بعدی شخص یا اشخاص یا اهداف مادی و معنوی خاصی را از بین می‌برد، یعنی عامل انتحاری با اجرای یک سری اقدامات از پیش طراحی شده اهداف خرابکارانه یا جنایت‌کارانه را پیگیری نموده و علاوه بر خود، جان افراد دیگر را نیز می‌گیرد. برای روشن شدن بهتر مطلب باید گفت که با بررسی عملیات‌های انتحاری که توسط گروه‌های تروریستی انجام می‌گیرد، می‌توان گفت که این عملیات‌ها غالباً در دو راستا صورت می‌گیرد، یا به منظور از بین بردن فرد یا افراد خاصی که عموماً شخصیت‌های مطرح و تأثیرگذار سیاسی را تشکیل می‌دهند و یا به منظور اهداف خاصی همچون ناامن کردن فضای اجتماعی و سیاسی مورد نظر و برانگیختن ترس و وحشت عمومی، اقدام به عملیات انتحاری می‌کنند. که اکثر این عملیات‌ها در یک بستر شهری به وقوع می‌پیوندد و به واسطه آن افراد مختلف از مردم کوچک و بزرگ، زن و مرد، زخمی و کشته می‌شوند (مروت، ۱۳۸۵).

در شمایی کلی، عملیات انتحاری به آن دسته از عملیاتی گفته می‌شود که در آن فرد اقدام‌کننده که اغلب خود را مخفی می‌کند، نفس خویش را با آگاهی کامل در معرض قتل قرار

می‌دهد و معروف‌ترین شکل آن نیز بستن بمب به بدن، جاسازی در اتومبیل یا کیف و چمدان و وارد شدن به میان تجمع و گروهی از مردم (پایگاه دشمن و مراکز حساس حکومتی) و سپس منفجر کردن مواد منفجره در زمان و مکان مناسب برای ضربه زدن به دشمن یا تحقق منفعتی می‌باشد که بر اثر آن تعداد قابل توجهی از افراد و امکانات آن‌ها از بین می‌رود. آنچه در حال حاضر در ادبیات سیاسی جهان مصطلح شده است، به عملیاتی برمی‌گردد که فرد به‌طور مثال با بستن کمربند انفجاری به خود در راستای اهداف یک سازمان و یا اهداف شخصی خرابکارانه خود که می‌تواند ناشی از یک عدم تعادل روانی باشد، اقدام به آسیب زدن به مجموعه‌ای یا افرادی می‌کند که منتهی به مرگ خود نیز می‌شود. آنچه تحت عنوان عملیات تروریستی از آن نام می‌برند به همین معناست. طبق بند ۱ ماده ۲ کنوانسیون بین‌المللی منع بمب‌گذاری تروریستی مصوب دسامبر ۱۹۹۷ مجمع عمومی سازمان ملل متحد تروریست عبارت است از:

قاتل، کسی که با توسل به اعمال جنایت‌کارانه به ایجاد رعب و وحشت در مردم یا اشخاص یا دسته‌های معین می‌پردازد. هرگاه کسی عمداً و به‌طور غیرقانونی، یک وسیله انفجاری یا کشنده را در اماکن عمومی، تأسیسات دولتی یا حکومتی، سیستم حمل و نقل عمومی یا در تأسیسات زیر بنایی، جاسازی، منفجر یا شلیک کند، تروریست محسوب می‌شود.

عملیات تروریستی اعم از عملیات انتحاری می‌باشند، چه آنکه در بسیاری از عملیات تروریستی، فرد مرتکب، خود کشته نمی‌شود بلکه با تنظیم نقش‌های دقیق، موجبات فرار خود بعد از ارتکاب را فراهم آورده و از صحنه جرم می‌گریزد، ولی ویژگی خاص عملیات انتحاری که در معنای لغوی انتحار نیز آمد، این است که خود فرد منتحر نیز کشته می‌شود و در واقع با یقین به کشته شدن خود اقدام نموده است. همچنین حمله انتحاری نوعی خودکشی عقیدتی به قصد دیگرکشی و صدمه زدن به غیر است. عملیات انتحاری را می‌توان نوعی حمله منفعلانه به دشمن دانست (ممتاز و رنجبریان، ۱۳۸۴).

یکی از فاجعه‌بارترین موارد سربازگیری کودکان در تاریخ معاصر جهان، به استفاده از کودکان نابالغ توسط خمر روج، در جریان مخاصمات هند و چین در فاصله سال‌های ۱۹۴۷ و ۱۹۷۹ بازمی‌گردد. در جریان جنگ‌های مزبور، کودکان برای انجام شکنجه و حتی فرآیند اعدام، تحت آموزش‌های دقیق و حساب شده قرار می‌گرفتند. بدین ترتیب، کودکان نابالغ بدون آنکه قدرت تشخیص میان اخلاقی یا غیراخلاقی بودن دستورات مافوق خود را داشته باشند، به بازوی عملیاتی بسیار مطلوبی در راستای اهداف شوم فرماندهان خود تبدیل شدند. این ترفند با شرکت دادن مستقیم کودکان در قتل‌عام‌ها و اعمال غیرانسانی در جریان قتل‌عام فاجعه‌بار کامبوج نیز شکل جدیدی به خود گرفت. به این شکل، کودکان به ابزاری مهم در جریان منازعات قومی و نژادی در سراسر جهان تبدیل شده‌اند، به نحوی که در جریان مخاصمات مسلحانه نه‌ساله در

سیرالئون که در فاصله سال‌های ۱۹۹۳ تا سال ۲۰۰۲ بر سر دستیابی به قدرت میان گروه‌های مسلح داخلی در گرفت، کودکان توسط تمام طرف‌های درگیر به عنوان سرباز و جنگجو مورد استفاده قرار گرفتند. سربازگیری اجباری کودکان، دادن مواد مخدر به آنان، آموزش جرایم سبعانه به کودکان و سوءاستفاده جنسی از هزاران دختر سرباز در جریان مخاصمات مسلحانه در سیرالئون نمونه‌هایی از اقدامات طرف‌های درگیر در منازعات بوده است. بر اساس گزارش سازمان دیده‌بان حقوق بشر تخمین زده می‌شود بین ۲۰۰ هزار تا ۳۰۰ هزار کودک سرباز برای گروه‌های شورشی و نیروهای دولتی در سراسر جهان به فعالیت می‌پردازند. در کشورهایی از قبیل جمهوری دموکراتیک کنگو، سودان، اوگاندا، برمه، نپال، آفریقای جنوبی، برزیل، نیجریه و کلمبیا همچنان به نحو گسترده‌ای از کودکان سرباز در گروه‌های شبه‌نظامی و شورشی و یا نیروهای وابسته به حکومت مرکزی استفاده می‌شود (گرشاسی و کریمی مله، ۱۳۹۷).

مبحث پنجم: اقدامات داعش در نقض حقوق کودکان

به طور کلی کودکان به سه طریق به عضویت گروه داعش درآمدند. کودکانی که داوطلبانه خود را معرفی و ثبت‌نام می‌کنند، این کودکان به آسانی جذب مزایای مادی و روانی که داعش ارائه می‌دهد، می‌شوند. به لحاظ مادی، داعش هدایای متنوعی به کودکان می‌دهد. کودکانی که به داعش می‌پیوندند، حقوق دریافت می‌کنند. دریافت حقوق در صورت پیوستن به داعش یک عامل انگیزشی مؤثر برای پیوستن به این گروه است. داعش علاوه بر پرداخت حقوق به کودکانی که به این گروه می‌پیوندند از طریق اسباب‌بازی و آب‌نبات هم به آسانی کودکان را جذب می‌کند (هوبا، ۲۰۲۰). همچنین دیدن همسالان یا کودکان با سنین پایین‌تر که عضو داعش هستند و از امتیازاتی برخوردارند نیز مشوقی برای پیوستن سایر کودکان به داعش است. داعش همچنین کودکان را از طریق سلاح‌ها و یونیفرم داعش جذب می‌کند. همچنین موفقیت داعش در جذب افراد در سطح جهانی از طریق روش‌های روان‌شناختی به لحاظ تاریخی بی‌سابقه است. داعش به این کودکان هویت، احساس تعلق و مجموعه‌ای از ارزش‌ها و عقاید با تعبیر خاص مذهبی ارائه می‌دهد. عوامل کششی داعش می‌تواند وعده غذایی، فرصت مبارزه برای یک ایدئولوژی، کسب درآمد، جست‌وجوی اعتبار اجتماعی، به دست آوردن حمایت یا حتی سرگرمی، نمادهای عضویت در گروه، از جمله یونیفرم داعش، سلاح، هدایا و دریافت حقوق برای کودکان باشد. کودکانی که در قلمرو داعش متولد می‌شوند و از طریق خانواده‌هایشان به داعش می‌پیوندند. والدین نقش مهمی در گرایش کودکان به داعش دارند. برخلاف سایر گروه‌های تروریستی غیردولتی، قواعد داعش بر کل واحد خانواده تأثیرگذار است و بسیاری از افرادی که برای پیوستن به داعش به عراق و سوریه مهاجرت کرده‌اند، خانواده و فرزندان‌شان را نیز همراه خود آورده‌اند (روحانی و

سلطان قیس، ۱۳۹۶). داعش این خانواده‌ها را ترغیب می‌کند که فرزندانشان را به اردوگاه‌های آموزشی داعش بفرستند تا نسل بعدی جهادی تربیت شوند و نیز کودکانی که از طریق تهدیدهای جدی و به اجبار و زور ربوده شده و به خدمت گرفته می‌شوند. این عضویت اجباری بیشتر مشمول اقلیت‌های قومی ساکن در سوریه و عراق می‌شود. از فاجعه‌بارترین اقدامات داعش در این زمینه نسل‌زدایی ایزدی‌ها در کوه سنجار در اوت سال ۲۰۱۴ میلادی بود. بعد از حملات داعش تقریباً ۹۹۰۰ نفر کشته و ۶۸۰۰ نفر ربوده شدند که ۳۳/۷ درصد از این افراد ربوده شده کودکان زیر چهارده سال هستند (روحانی و سلطان قیس، ۱۳۹۶). در تاریخ ۳۰ می ۲۰۱۴ میلادی تقریباً ششصد کودک کُرد در سن چهارده تا شانزده سال پس از سفر به حلب برای گذراندن امتحانات در هنگام بازگشت به کوبانی ربوده شدند. اگر این کودکان از عضویت داعش سرپیچی کنند مورد ضرب و شتم قرار می‌گیرند، شکنجه می‌شوند یا مورد تجاوز قرار می‌گیرند و در نهایت کشته خواهند شد.

کودک سربازان دختر که به آن‌ها کودک همسران نیز گفته می‌شد اغلب به عنوان پاداش مورد استفاده قرار می‌گرفتند و یا به وسیله فرماندهان و سربازان معمولی مورد سوءاستفاده بودند. داعش این همسران کودک را استعمار می‌کرد، دخترانی که در سنین پایین زایمان می‌کردند. تحقیقی در موصل بر روی داعش نشان داد تا ژوئن ۲۰۱۴، بر اساس گزارش‌ها ۸۱۹ مورد ازدواج خانگی اتفاق افتاده است. داعش به کودکان دوازده ساله نیز تجاوز کرده است. دورنمای ایجاد روابط جنسی مجاز به لحاظ مذهبی به عنوان یک ابزار استخدامی برای مردان جوامع سنتی که در آن‌ها رابطه جنسی قبل از ازدواج منع شده بود به کار گرفته می‌شد.

گزارش‌های متعددی از بدرفتاری داعش با زنان و کودکان در صحنه نبرد در سوریه و عراق گزارش شده است. به بردگی گرفتن زنان خصوصاً زنان ایزدی و سوءاستفاده‌های جنسی از آن‌ها و سپس فروختن آنان، از مسائلی است که صحنه بین‌المللی را درگیر نموده است. خبری حاکی از اعدام ۱۹ زن به دلیل امتناع از برقراری رابطه جنسی با نیروهای داعش منتشر گردیده است. در یک مورد دیگر در موصل، ۲۵۰ زن به دلیل امتناع از بردگی جنسی اعدام شده‌اند.

دلایل جذب و استفاده از کودکان توسط گروه داعش پیچیده و ممکن است با توجه به شرایط متفاوت باشد اما استفاده از کودکان مزایای مختلفی را برای این گروه به همراه دارد (گرشاسبی و کریمی مله، ۱۳۹۷):

بقا و تداوم داعش: داعش با سایر سازمان‌های تروریستی و گروه‌های شبه‌نظامی که از کودکان به عنوان سرباز و جنگجو استفاده می‌کنند، متفاوت است. داعش یک راهبرد جامع و همه‌جانبه برای رادیکال کردن کودکان اتخاذ کرده و با ترکیب روش‌های رسمی و غیررسمی، مستقیم و غیرمستقیم، همکاری و اجبار، فردی و سامان‌مند درصدد آموزش و تلقین کودکان

است. کودکان یک مؤلفه مهم در سیستم توتالیتر داعش و یکی از سنگ بناهای اساسی خلافت هستند. از این رو تربیت نسل بعدی برای تداوم و بقای خلافت لازم و ضروری است، بقا و تداوم داعش و آینده خلافت تا حد زیادی در دست نسل آینده است. این نسل از کودکان از نظر عقیدتی و فیزیکی برای تبدیل شدن به مبارزان فردا آماده می‌شوند که قادر به انجام اقدامات حتی بی‌رحمانه‌تر از اقداماتی باشند که این گروه در حال حاضر انجام می‌دهد.

اهمیت تبلیغاتی: در گروه تروریستی داعش کودکان یک ابزار تبلیغاتی حیاتی هستند. فیلم‌های تبلیغاتی داعش اغلب توسط کودکان ساخته می‌شود. اولین ویدئوی تبلیغاتی رسمی داعش که در آن یک فرد خردسال اقدام به بریدن سر کرده بود در جولای سال ۲۰۱۵ میلادی منتشر شد. این یک سیگنال و پیام واقعی از داعش بود. با تأیید صریح استفاده از کودکان برای اعمال خشونت‌آمیز، داعش نشان داد که علاقه‌ای به حقوق جهانی کودکان ندارد. علاوه بر این، این یک پیام برای هواداران این گروه نیز بود و این امر را روشن کرد که تولید، پرورش و آموزش نسل جدید داعش بسیار مهم است. اولین کودک اروپایی نیز در اوایل سال ۲۰۱۶ میلادی در تبلیغات رسمی داعش نشان داده شد. یک پسر چهارساله انگلیسی که دکمه‌ای را فشار داد تا یک وسیله نقلیه حاوی سه زندانی منفجر شود.

ملاحظات اقتصادی: گروه تروریستی داعش از جذب و استفاده از کودکان، از مزایای چشمگیر اقتصادی بهره‌مند می‌شود. چه کودکانی که نقش پشتیبانی دارند و چه کودکانی که به عنوان جنگجو استفاده می‌شوند، از حقوق کمتری برخوردارند و برای زنده ماندن به مواد غذایی کمتری نیاز دارند. همچنین استفاده از اسلحه‌های کوچک باعث کاهش اثربخشی بین کودکان و بزرگسالان می‌شود و استفاده از این اسلحه‌های کوچک برای کودکان بسیار آسان و در دسترس است. بنابراین کودکان هزینه کمتری دارند و جنگجویان کودک ارزان‌تر از جنگجویان بزرگسال هستند و در انجام خشونت هم کارایی کمتری ندارند.

کنترل: کنترل کودکان از نظر جسمی و روحی نسبت به بزرگسالان بسیار راحت‌تر است. کودکان اغلب به سرعت به چهره‌های اقتدار تمایل و وفاداری نشان می‌دهند و به‌ویژه مستعد پیروی از اعتقادات و رفتارهای کسانی هستند که آن‌ها را دوست دارند و به آن‌ها احترام می‌گذارند. از نظر ایدئولوژیک هم کودکان به سرعت متعهد و وفادار می‌شوند و تلقین کردن به آنان کار آسانی است زیرا آن‌ها کمتر تصورات و باورهای از پیش آماده شده‌ای دارند که آن‌ها را تغییر دهند. در واقع کودکانی که هیچ‌گونه آموزشی ندیده‌اند و مبنای ایدئولوژیک ندارند به راحتی قابل آموزش هستند و در یک محیط افراطی رشد می‌کنند و یک تجسم خالص از ایدئولوژی گروه دارند و برای اهداف خشن استفاده می‌شوند. این کودکان که مبارزان و جنگجویان بالقوه داعش هستند به راحتی قالب می‌گیرند. داعش از معصومیت و بی‌پروایی

کودکان خردسال سوءاستفاده می‌کند تا بقای بلندمدت خود را تأمین کند؛ بنابراین کودکان به عنوان حافظان ایدئولوژی داعش برای نسل‌های آینده ارزش دارند. آموزش تعداد زیاد کودکان داعش نه تنها نیروی نظامی و انسانی داعش را در آینده تأمین می‌کند بلکه فرهنگ خشونت و افراط‌گرایی مذهبی را از طریق آموزش کودکان، تداوم و تحکیم می‌بخشد و این برای اقدامات داعش در آینده ضروری و اساسی است (جوادپور، ۱۳۹۵).

مزایای تاکتیکی: این کودکان از نظر تاکتیکی هم توسط داعش مورد استفاده قرار می‌گیرند. برای اهداف عملیاتی، کودک سربازان قادر به حمل سلاح‌های سبک مانند نارنجک و موشک‌های کوچک هستند و در ایستگاه‌های بازرسی کمتر بازرسی می‌شوند، لذا از این طریق حملات را در مکان‌های غیرقابل دسترس امکان‌پذیر می‌سازند. همچنین کودکان نه تا پانزده ساله که به سن بلوغ رسیده‌اند برای نبرد فرستاده می‌شوند. علاوه بر این داعش از این کودکان برای انجام حملات انتحاری نیز استفاده می‌کند. دلایل این امر واضح است، کودکان از خطری که با آن روبه‌رو هستند درک کمتری دارند و بنابراین اضطراب کمتری نشان می‌دهند. همچنین کودکان کمتر مورد سوءظن قرار می‌گیرند و به راحتی می‌توانند به اهداف نزدیک شوند (جوادپور، ۱۳۹۵).

هنگامی که کودکان توسط گروه‌های تروریستی افراطی جذب می‌شوند، نقش‌های مختلفی را در این گروه‌ها به عهده می‌گیرند و انجام می‌دهند. داعش کودکان را با توجه به توانایی‌هایشان طبقه‌بندی می‌کند و تحت آموزش قرار می‌دهد. پس از آموزش کودکان وظیفه و نقشی که برای آن‌ها در نظر گرفته می‌شود به استعداد و توانایی‌های خاص یک کودک بستگی دارد. با توجه به قدرت جسمی و ذهنی و مهارت‌های فردی خاص، به کودکان وظایف متفاوتی اعم از فعالیت‌های پشتیبانی روزمره تا مشارکت تمام‌عیار به عنوان رزمندگان خط مقدم اختصاص می‌یابد. در وظایف پشتیبانی، کودکان به عنوان جاسوس کار می‌کنند که به آن‌ها دستور داده می‌شود از هر کس که مظنون به نقض قوانین داعش است گزارش دهند. کودکان چه دختر و چه پسر تحت فشار قرار می‌گیرند که در مورد اعضای خانواده، همسایگان یا دوستانی که از قوانین داعش پیروی نمی‌کنند، گزارش دهند. به این معنا خلافت داعش مانند یک دولت توتالیتر عمل می‌کند که می‌خواهد شهروندان خود را کنترل کند. هنگامی که کودکان صلاحیت خود را در انجام این نقش نشان دادند و ثابت کردند که به داعش وفادار هستند، آنگاه می‌توانند نقشی که مسئولیت‌های بیشتری به همراه دارد، به عهده بگیرند. از دیگر کارکردهای پشتیبانی می‌توان به پاسگاه‌های بازرسی، انتقال اسلحه و انجام وظایف مختلف اداری در بیمارستان‌ها، دادگاه‌ها، مدارس و سایر تأسیسات اجتماعی تحت کنترل داعش اشاره کرد (مبینی کشه و طالعی هور، ۱۴۰۰).

همچنین داعش با بهره‌گیری از جذابیت عاطفی که کودکان قادر به ایجاد آن هستند از

کاریزماتیک‌ترین و باهوش‌ترین کودکان خود به عنوان واعظ و سخنران استفاده می‌کند. در واقع کودکانی که مهارت‌های ارتباطی خوبی دارند و پیام داعش را به‌طور مؤثری انتقال می‌دهند برای تبلیغ داعش استفاده می‌شوند. موعظه کردن کودکان به نمایندگی از خلافت داعش بسیار مؤثرتر از بزرگ‌سالان است و می‌تواند همسالان خود را به عضویت در داعش سوق دهند. گروه دیگری از کودکان برای مشارکت در جنگ‌ها به کار گرفته می‌شوند. همچنین از کودکان برای انتقال خون به سربازان داعش نیز استفاده می‌شود. داعش به‌طور منظم کودکان را به عنوان بازیگران اصلی در کنار هم‌تایان بزرگ‌سال برای انجام اقدامات شدید خشونت‌آمیز استفاده می‌کند. داعش در رسانه‌های تبلیغاتی خود با افتخار فرزندان خود را به عنوان تیرانداز، اعدام‌کنندگان، بمب‌گذار انتحاری و سربازان در میدان نبرد به نمایش می‌گذارد. کودکان نیز به عنوان افسران جوان که مسؤول مجازات و شکنجه زندانیان و مخالفان خلافت هستند آموزش داده می‌شوند. کودکان یتیم و کودکانی که کمترین استعداد را دارند، اغلب به انجام حملات انتحاری مجبور می‌شوند. کودکانی که برای انجام حملات انتحاری در نظر گرفته می‌شوند، نمی‌توانند با خانواده‌های خود ملاقات کنند. داعش در استفاده از کودکان یا بزرگ‌سالان برای انجام عملیات انتحاری تفاوتی قائل نیست. دختران در قلمرو داعش نیز آموزش دینی منطبق با آموزه‌های داعش دریافت می‌کنند و از سنین کودکی برای انجام کارهای خانگی نظیر آشپزی، خیاطی و مراقبت از کودکان آموزش داده می‌شوند. آن‌ها باید همسران پشتیبان مبارزان و مادران نسل جدیدی از مبارزان داعش شوند. دختران به محض رسیدن به سن بلوغ باید با یک مبارز داعشی ازدواج کنند. زندگی در قلمرو خلافت داعش برای دخترانی که ازدواج‌های پی‌درپی دارند و با خشونت جنسی مواجه می‌شوند بسیار وحشیانه است. علاوه‌براین دقیقاً مانند پسران خردسال، دختران نیز برای انجام حملات انتحاری شست‌وشوی مغزی می‌شوند (تقی زاده و هداوندی، ۱۳۹۱).

نتیجه گیری

در سال های اخیر، جنگ داخلی سوریه و حمله داعش در عراق، برای زنان و کودکان خفت بارترین و تحقیر آمیزترین دوران عمرشان را در عصر حاضر سپری کردند و وحشیانه مورد ظلم و تجاوز و خشونت قرار گرفتند. اکنون نیز زنان فلسطین باید هر روز رنج از دست دادن فرزندان و خانواده خود را بر دوش بکشند.

در بررسی اصول حمایتی نظام بین الملل حقوق بشردوستانه، روشن شد که منشاء جنگ و درگیری، مقابله قدرت ها برای کسب منافع بیشتر و تعارض منافع است. با این حال، رعایت قوانین حقوق بشر در تخاصم های بین المللی و تدوین حقوق جنگ در جامعه بین الملل اهمیت دارد. این مهم در سال ۱۹۴۹ با تصویب کنوانسیون های چهارگانه ژنو تا حدودی مورد توجه قرار گرفت. اگرچه قبل از آن نیز قواعد و مقررات پراکنده ای به چشم می خورد، اما می توان گفت که از سال ۱۹۴۹ و به دنبال ایجاد سازمان ملل و آثار و تبعات فجیع جنگ جهانی دوم بود که وجود و رعایت قواعد الزام آور حاکم در جنگ، ضرورت می یافت. اما با این وجود، در نظام بین الملل، با توجه به این که دولت ها واضح و مجری قواعد و مقررات هستند و با توجه به عدم وجود صلاحیت اجباری مراجع قضایی، این قواعد از ضمانت اجرایی لازم و کافی برخوردار نیستند و از آنجا که یکی از منطبق های حقوق بین الملل، قدرت است، این ضمانت اجرا در صورت وجود، برای کشورهای صاحب قدرت، کم رنگ می شود. به علاوه، وجود برخی از ابهامات، عدم تعریف صحیح، نپرداختن به جزئیات در تدوین اصول و مقررات، عدم اجرای کامل مقررات و ... موجب کاستی و نواقص نظام حقوق بین الملل در عصر حاضر شده است.

نقض این قواعد، امروزه موجب مسئولیت می شود و در آن قسمت که جرم جنگی نامیده شده است، مسئولیت کیفری فردی رخ می نماید. در این میان، نباید نقش مهم سازمان های غیردولتی مانند کمیته بین المللی صلیب سرخ و نهادهای ملی صلیب سرخ و هلال احمر نهادهای نظارتی مانند کمیته حقوق کودک، شورای امنیت و نهادهای امدادی را در توسعه، تحول و ترویج حقوق کودکان نادیده انگاشت، چرا که هر کدام به نوبه خود بیانگر اقداماتی هستند که تاکنون در جهت حفظ و ارتقای حقوق کودکان در مخاصمات انجام گرفته است.

با توجه به اصول حقوق بشردوستانه بین المللی که به صورت واضح در اسناد بیان شده است توسط طرفین درگیر لازم و ضروری می باشد از قبیل اصل کرامت انسانی، اصل محدودیت در استفاده از سلاح های غیرمجاز و ابزارهای جنگی غیرمعمول، اصل تفکیک میان نظامیان و غیرنظامیان، اصل منع درد و رنج بیش از اندازه، اصل تناسب، اصل حفظ محیط زیست، اصل ضرورت نظامی و اصل احتیاط از جمله اصول اساسی حقوق بشردوستانه هستند که لزوماً باید در

مخاصمات مسلحانه بین‌المللی و داخلی توسط طرفین یا طرف‌های درگیر، مورد توجه و احترام قرار گیرند. بنابراین، طرفین و طرف‌های منازعه مسئولیت دارند در درگیری‌ها به اصول فوق توجه نموده و نظامیان را از غیرنظامیان و اهداف نظامی را از اهداف غیرنظامی تفکیک کنند و به اموال عمومی آسیب نرسانند و به هیچ‌وجه غیرنظامیان و اهداف غیرنظامی را مورد حمله قرار ندهند و باید متوجه باشند که نقض این اصول و گذشتن از این قواعد در حملات جنگی، جنایات جنگی تلقی گردیده است. قواعد حقوق بشردوستانه درصدد کاهش رفتارهای خشونت‌آمیز بوده و وسیله کنترل اعمال ضدانسانی و بشری می‌باشد.

فهرست منابع

۱. اردبیلی، محمدعلی (۱۳۸۶) حقوق بین الملل کیفری، تهران: نشر میزان، چاپ اول.
۲. آهنگر اصیل، محمد، (۱۳۹۴)، حمایت از کودکان در فرایندهای پس از محاصرات مسلحانه در حقوق بین الملل، دانشگاه علامه طباطبایی.
۳. پیوندی غلامرضا، حقوق کودک (تهران: سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، ۱۳۹۰)، ۴۰۴.
۴. تقی زاده زکیه و فاطمه هداوندی، «مقابله با بحران سربازگیری کودکان در محاصرات مسلحانه»، مجله پژوهش های حقوقی (1391) 22، ۱۸۸.
۵. جواد پور، مریم. «حمایت از حق سلامت کودکان در محاصرات مسلحانه از منظر اسلام و حقوق بشردوستانه بین المللی». پژوهش تطبیقی حقوق اسلام و غرب doi: 28-3. (1395): 4-10. 22091/CSIW. 2018. 1667. 1142
۶. حایری، امیر. «بررسی مفهوم کودک سرباز در حقوق بین الملل». مجله بین المللی پژوهش ملل 3، 1-1631: (1397).
۷. روحانی، کارن و سلطان قیس، فرید، «عملکرد داعش از دیدگاه قواعد حقوق اسلامی و حقوق بین الملل بشردوستانه» فصلنامه پژوهش تطبیقی حقوق اسلام و غرب (1396) 4، ۳۹.
۸. علی اکبری سمیه، حسین داورزنی و معین غلامعلی پور، «حکم عملیات انتحاری از نگاه مذهب تشیع»، کنفرانس بین المللی حقوق و توسعه پایدار جامعه مدنی ۶ (1397)، ۲.
۹. کسسه، آنتونیو، حقوق بین الملل، ترجمه: حسین شریفی طراز کوهی (۱۳۸۵) تهران: نشر میزان، چاپ اول.
۱۰. گرشاسبی، رضا و علی کریمی مله. «کودکان داعش، از درون فکنی ایستار تکفیری تا برون فکنی رفتار تسخیری». مجله پژوهش های سیاسی جهان اسلام. doi: 10. 28-1. (1397): 1-21859/priw-080101
۱۱. گلچین، پدرام، شهبازی، آرامش، & نجفی، فیروز. (۱۴۰۲). حقوق کودکان در عملیات انتحاری: مطالعه موردی داعش. پژوهش های حقوقی، (54) 22، doi: 10. 127-169. 48300/jlr. 2022. 317256. 1872
۱۲. مبینی کشه، زهرا و رهبر طالعی حور. «کودکان داعش و امنیت بین الملل». مجله علمی و امنیت ملی 9، 15. 39. 11. 33292538. 1400. doi: 20. 1001. 1. 39 (1400): 466-431.
۱۳. محمدرضائی، علیرضا، مرادی، مریم، & عسگرخانی، ابو محمد. (1399). رویکرد حقوق بشر و حقوق بشردوستانه برای حمایت از غیرنظامیان در محاصرات مسلحانه بین المللی و تبیین جامعه

- شناختی آن. ماهنامه جامعه‌شناسی سیاسی ایران، (1)3، 276-290. doi: 10. 30510/psi. 2021. 282906. 1678
۱۴. مروت، مجتبی، (۱۳۸۵)، «حقوق کودکان در مخاصمات مسلحانه». مجله پژوهش حقوق و سیاست، دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه علامه طباطبائی، ۱۸.
۱۵. ممتاز، جمشید و رنجبریان، امیرحسین، (۱۳۹۳)، *حقوق بین‌الملل بشردوستانه مخاصمات مسلحانه داخلی*، چاپ چهارم، تهران: میزان.
۱۶. ممتاز، جمشید و شایگان، فریده، *حقوق بین‌الملل بشردوستانه در برابر چالش‌های مخاصمات مسلحانه عصر حاضر*، تهران: موسسه مطالعات و پژوهش‌های حقوقی، ۱۳۹۳.
۱۷. نوری، ولی اله، زمانی، سید قاسم. (۱۳۹۷). اعمال اصل تناسب در مخاصمات مسلحانه غیربین‌المللی. *پژوهش حقوق عمومی*، 19(58)، 9-27. doi: 10. 22054/qjpl. 2018. 15854. 1378
18. Bloom, Mia, Horgan, John and Winter, Charlie (2016), "Depictions of Children and Youth in the Islamic State's Martyrdom Propaganda, 2015-2016", CTC Sentinel, Vol. 9, Issue. 2.
19. Devakumar, D. (2014), 'The intergenerational effects of war on the health of children', *BMC Medicine*, 12. (57)
20. Drumbl, Mark A. and Barrett, Jastine C. (2019), *Research Handbook on Child Soldiers*, Cheltenham: Edward Elgar Publishing.
21. Hubah, Abd al-Qadir Bashir (2020), *The legal status of combatants in international humanitarian law: an analytical study*, Amman, Dar Al-Thaqafa, 1st Edition.
22. Rafeeq Saeed, Zana (2017), "The Crime of Recruiting Children in Armed Conflicts and Ways to Combat It", *Legal and Political Studies*, Vol.5, No. 9.